



دمم کو

نوشتہ سرور پوریا
نقاشی از سیاوش مظلومی پور





دُم‌کو

نوشتهٔ سرور پوریا
نقاشی از سیاوش مظلومی پور

برای گروه سنی «ب»



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

■ دُم‌کو؟

■ نوشتهٔ سرور پوریا

■ تصاویر از سیاوش مظلومی پور

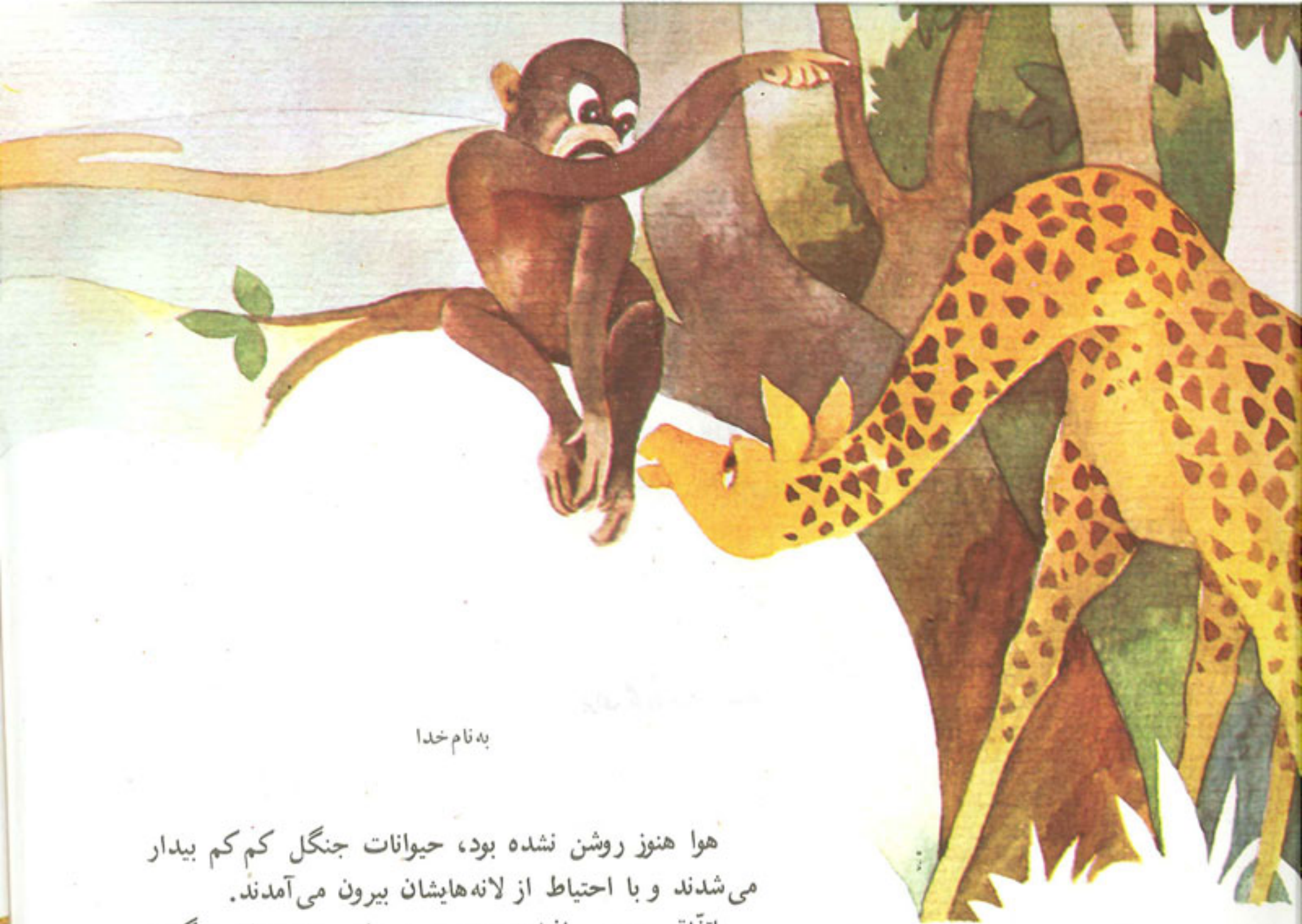
□ چاپ اول ۱۳۶۵ □ چاپ سوم، فروردین ۱۳۶۹

□ تعداد ۵۰۰۰۰ نسخه □ تعداد چاپهای قبل ۶۰۰۰۰ نسخه □ شهر چاپ

© کلیه حقوق محفوظ است.

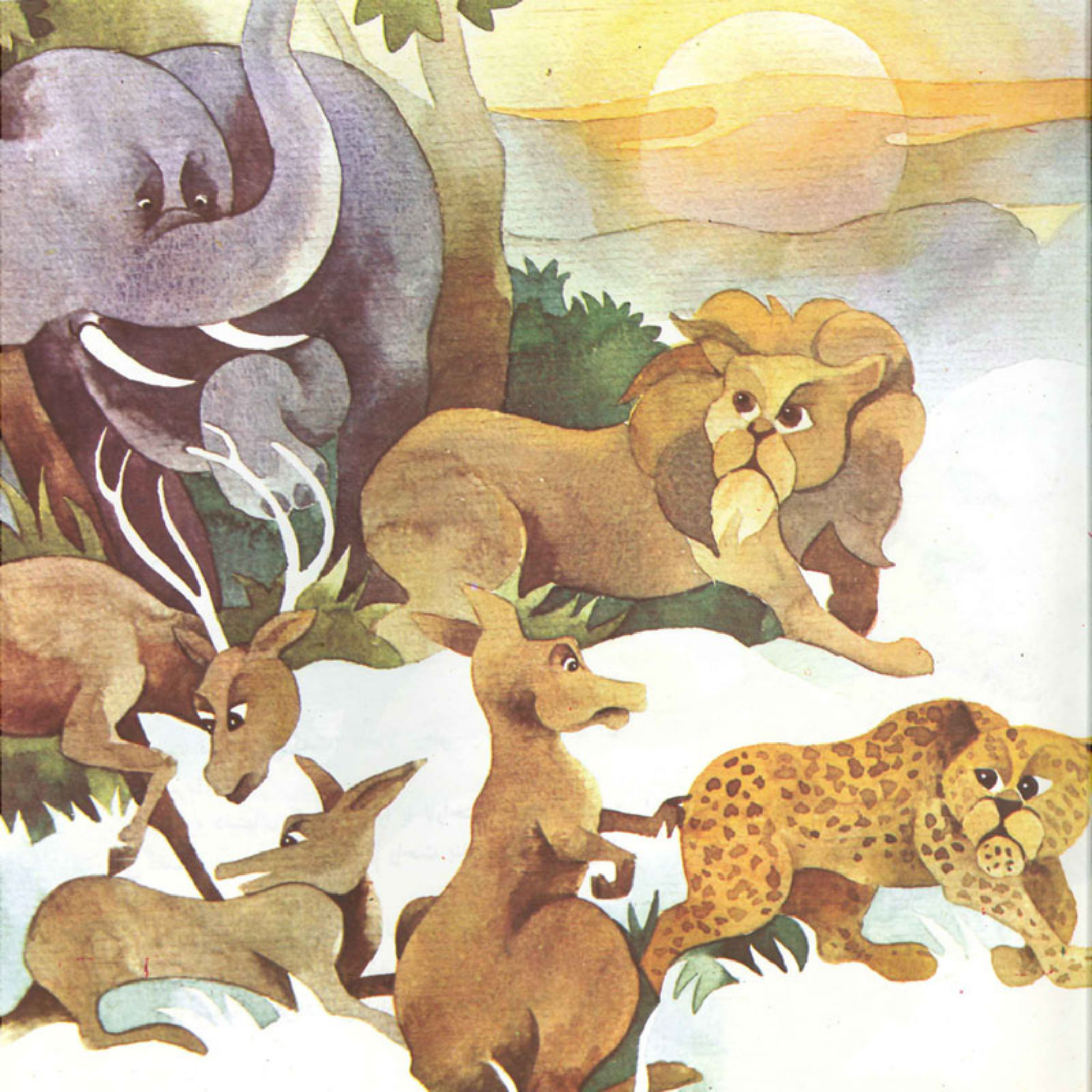
تهران، خیابان استاد مطهری، خیابان فجر، شماره ۳۷

تلفن مرکز پخش ۸۲۶۳۲۸



به نام خدا

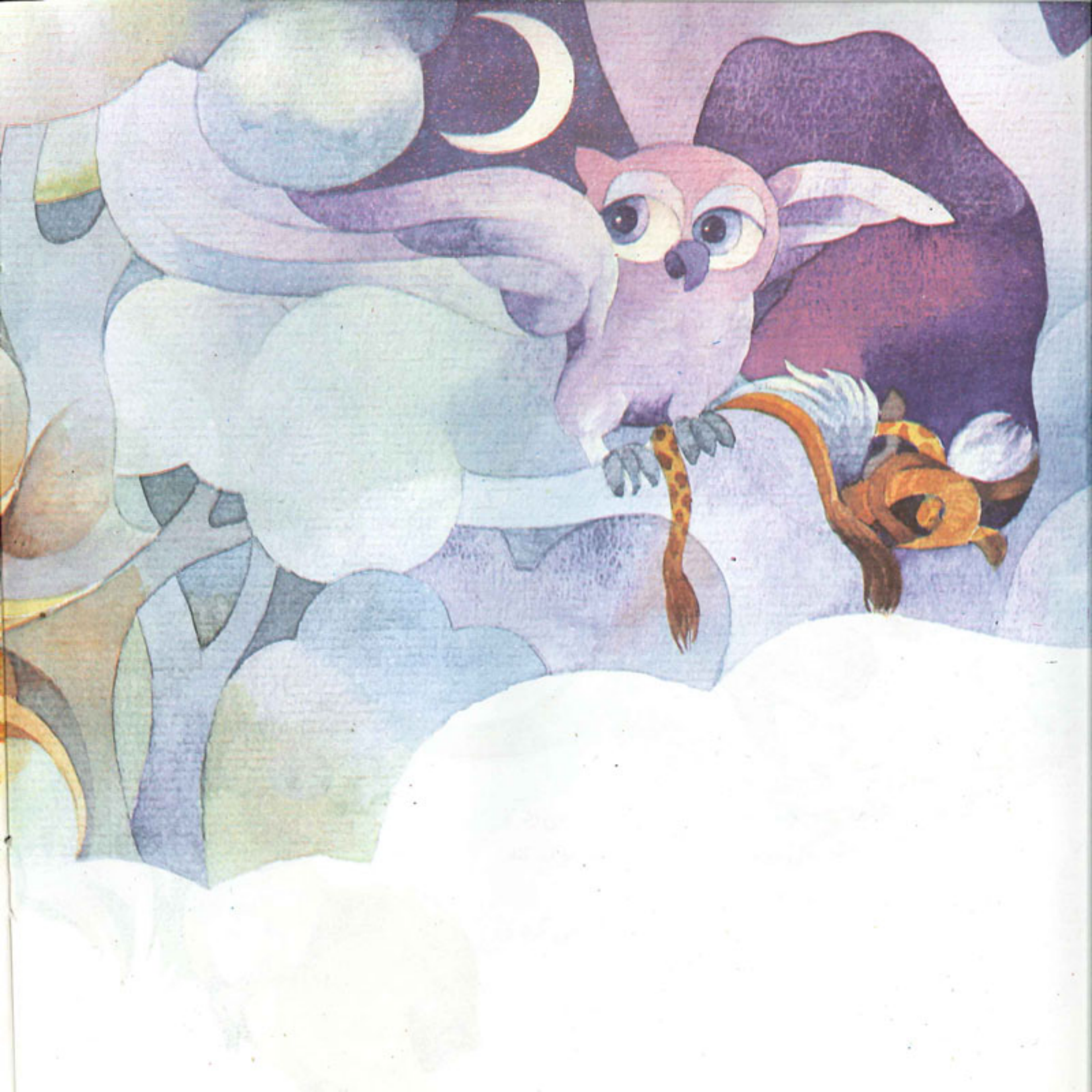
هوا هنوز روشن نشده بود، حیوانات جنگل کم کم بیدار
می شدند و با احتیاط از لانه هایشان بیرون می آمدند.
اتفاق عجیبی افتاده بود، هر حیوانی به حیوان دیگری
می رسید با تعجب می پرسید: «دمت کو؟»
همه بی دم بودند، غوغایی شده بود، شیر و شغال، خرگوش و
پلنگ، سنجاب و میمون، گوزن و زرافه، فیل و کانگرو بالا
می رفتند، پایین می آمدند، با هم دعوا می کردند، گاهی ساکت
می شدند، اما خیلی زود باز داد و فریاد می کردند.
آخه بی دم که نمی شد!






میمون تندتند می گفت: «حالا چطور از این شاخه به آن شاخه بپریم!»
کانگرو دستهای کوچکش را با ناراحتی به هم می زد و می گفت: «آخ، دیگر نمی توانم راحت بنشینم. نمی توانم تند بدوم!»
سنجاب با افسوس به جای خالی دم قشنگش نگاه می کرد و اشک توی چشمهایش جمع می شد.
وباز همه با هم فریاد می زدند: «بی دم چه کنیم!»





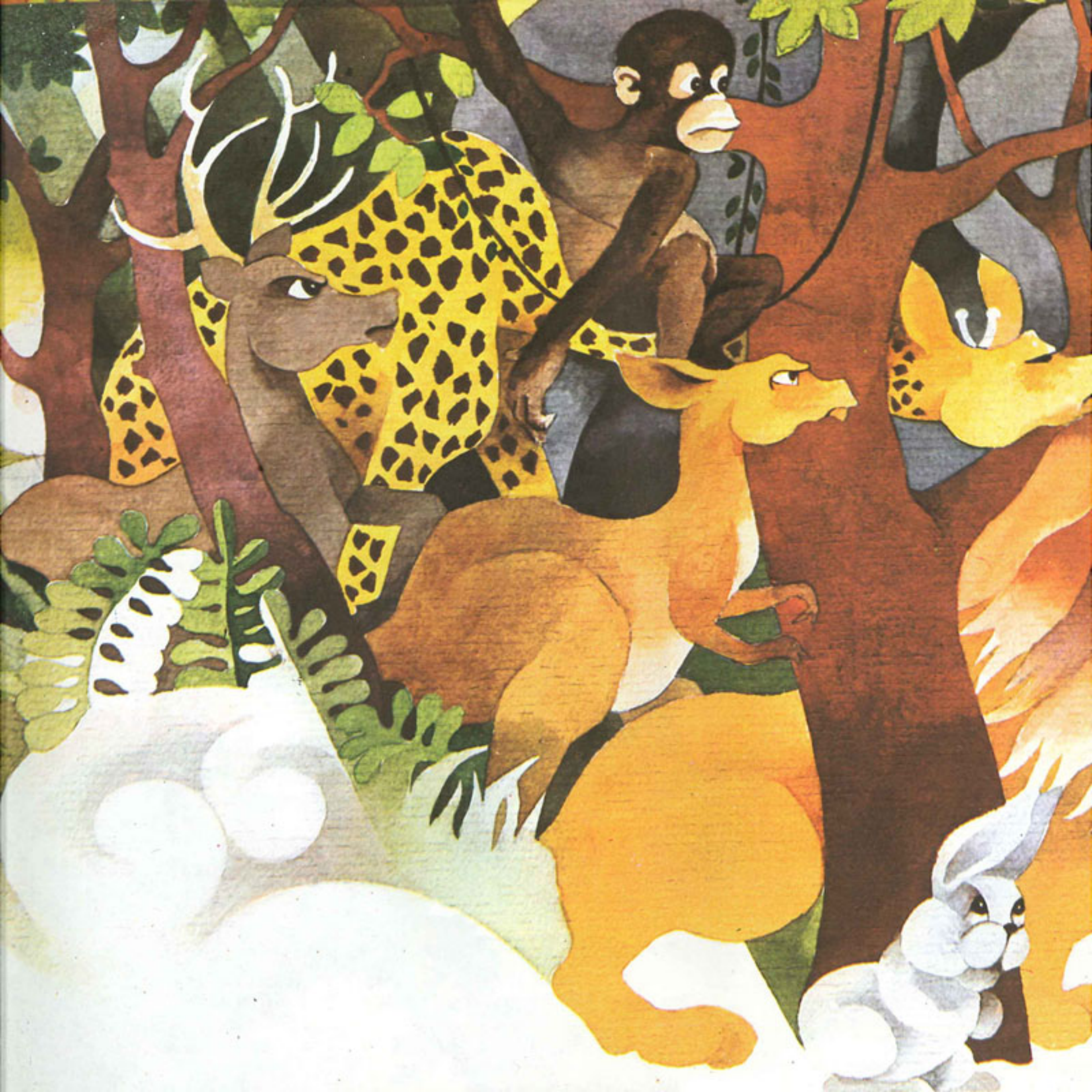
شیر بی دم که موهای یالش از ناراحتی سیخ شده بود، فریاد زد: «کار، کار جغد است، او شبها وقتی همه ما خوابیم بیدار می شود و توی جنگل به دنبال شکار به این طرف و آن طرف می رود. حتماً او دمهای همه ما را کنده و گوشه ای قایم کرده است. برویم سراغ جغد!»



An illustration of a tiger and a squirrel on a tree trunk. The tiger is on the left, with its mouth open, showing its teeth. The squirrel is on the right, sitting on a branch. The tree trunk is brown and has some green leaves and a small green insect-like creature on it.

حیوانات که از شدت عصبانیت چیزی نمی فهمیدند، دنبال شیر به راه افتادند، دور درختی که جغد در آن لانه داشت جمع شدند، اما، هر چه داد و بیداد کردند جغد از لانه خارج نشد که نشد، فکر کردند جغد از ترسش بیرون نمی آید!

فیل حیوانات دیگر را پس زد، نفس نفس زنان هیکل بزرگش را جلو کشید و خرطومش را به دور تنه درخت پیچید تا آنها را از جا بکند.



اقا، کلاغ که روی بلندترین شاخهٔ درخت نشسته بود و
اطرافش را تماشا می کرد فریاد زد: «دست نگهدارید! آنجا را
نگاه کنید!»

روباه کیسه بزرگی روی کولش انداخته بود و پابرچین
پابرچین دم پرمویش را روی زمین می کشید و از جنگل دور
می شد.

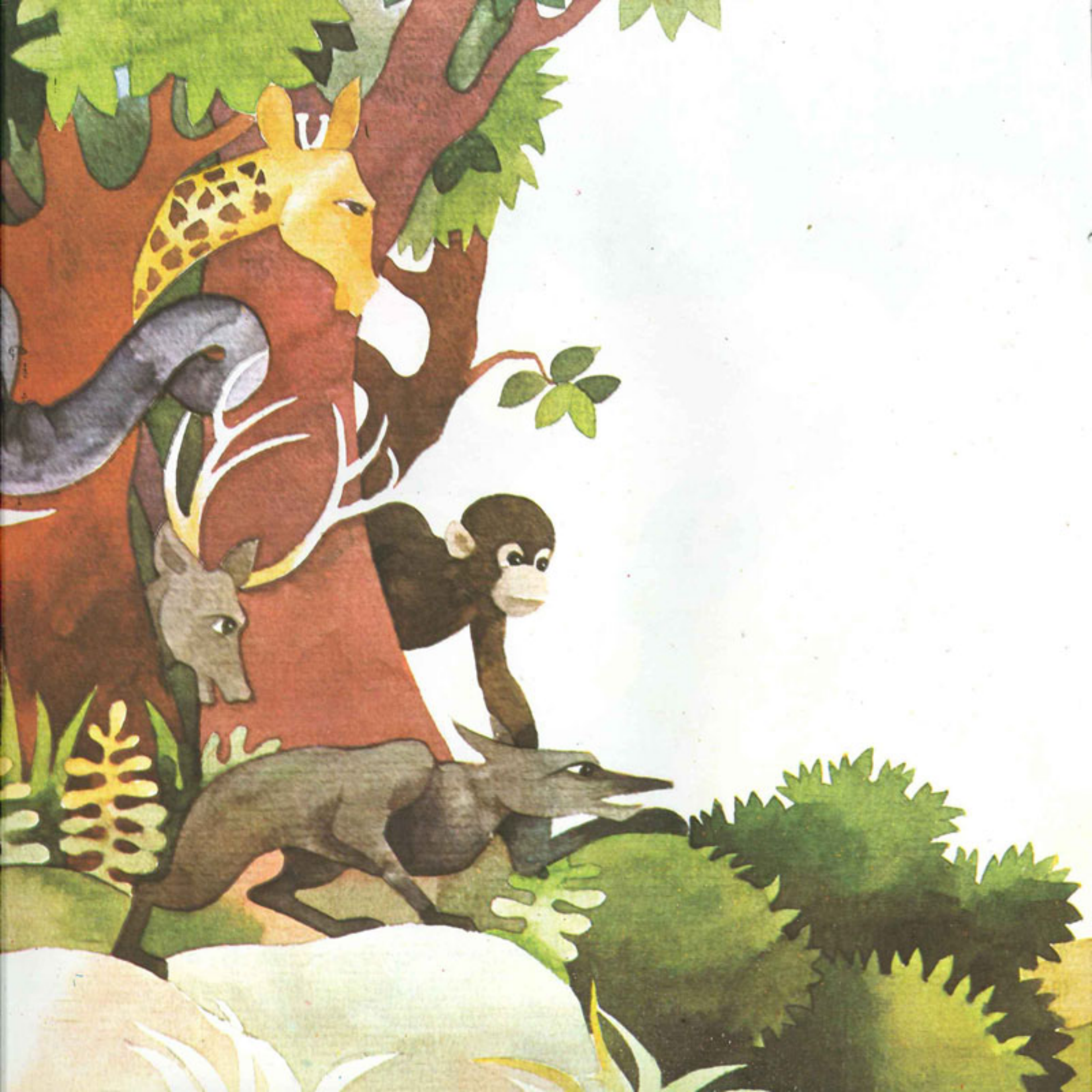
فیل با شرمندگی خرطومش را پایین انداخت.
شیر گفت: «آه، چه اشتباهی!»





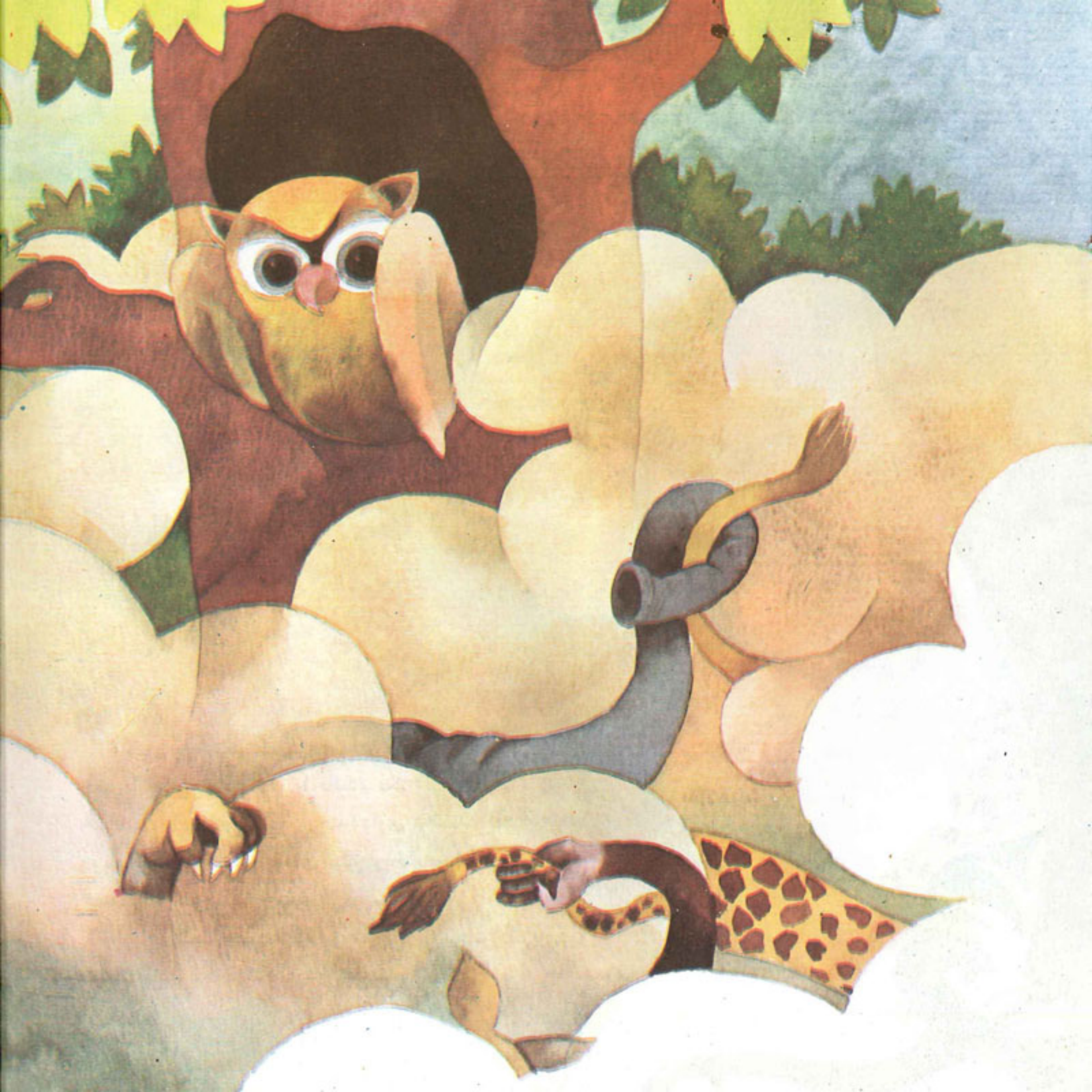
شغال که تازه متوجه موضوع شده بود فریاد زد: «نگاه کنید!
فقط روباه ذم دارد!»
و همه با هم گفتند: «بگیریدش، بگیریدش!»







جغد که از سر و صدای حیوانات بی خواب شده بود، سرش
را از سوراخ لانه بیرون آورد و به دور و برش نگاه کرد.
آبری از گرد و خاک جلوی چشمهایش را گرفته بود و جایی
را نمی دید.
کلاغ که روی بلندترین شاخه درخت نشسته بود، بالهایش
را به هم می کوبید و از ته دل می خندید.





مدتی گذشت، کم کم صداها خوابید، خاک نشست،
جغد با بالش چشمهایش را مالید، فکر کرد خواب می‌بیند،
حیوانات قیافه‌های ناآشنا و خنده‌داری داشتند، فقط روباه،
روباه بود، که او هم موهای تنش ریخته بود!
جغد سرش را توكشید و چشمهایش را بست.
روباه کتک خورده که از شوخی بی‌مزه‌اش شرمنده و
پشیمان بود، لنگان لنگان دور می‌شد.



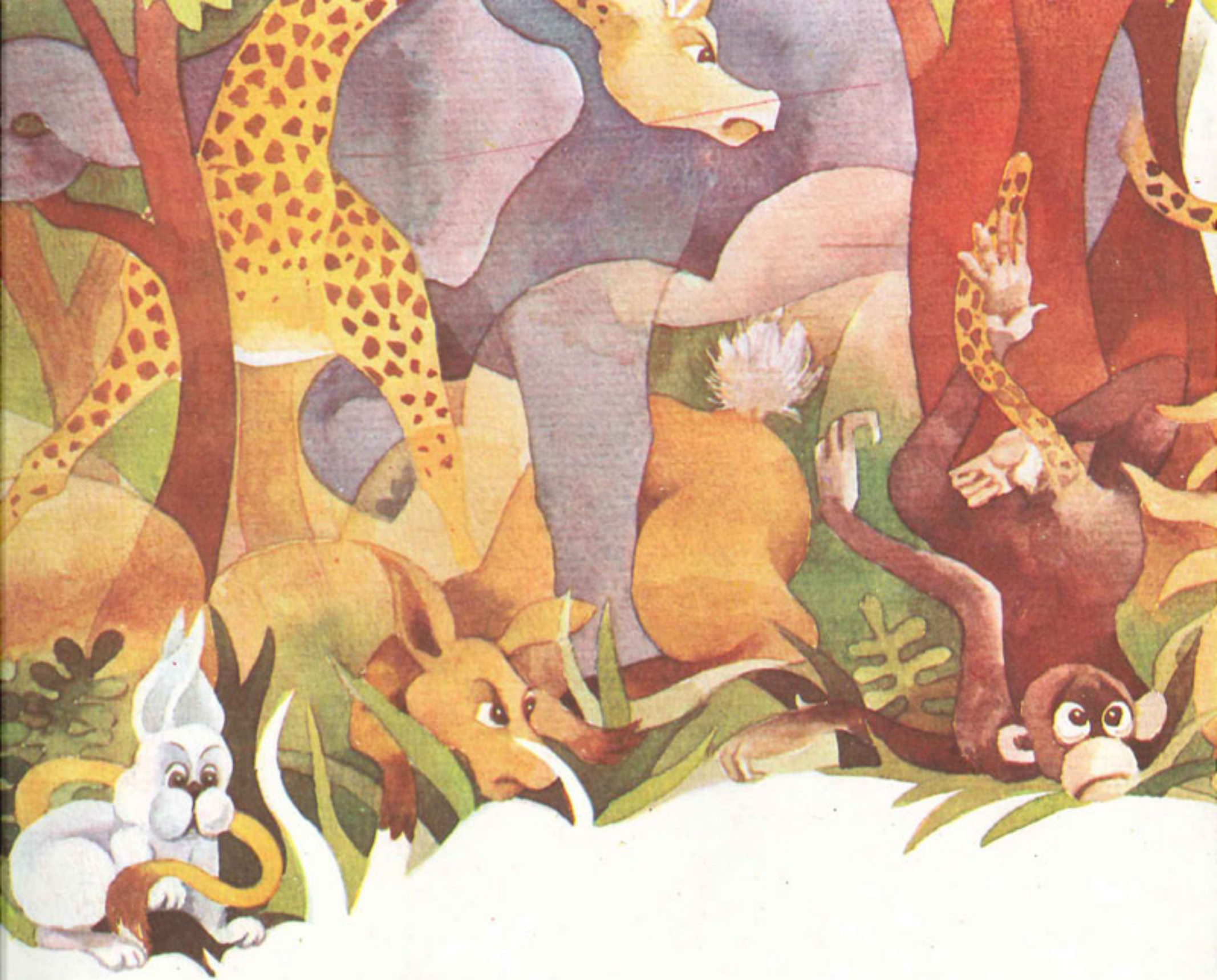
شیر چون بزرگترین دم را به خودش چسبانده بود مرتب زمین می خورد.

کانگرو هم که اشتباهی دم خرگوش را قاپ زده بود، دنبال دمش می گشت.

میمون با دم پلنگ نتوانست از شاخه آویزان شود و محکم به زمین خورد.

صداها در هم شده بود و حیوانات که باز با عجله و بدون فکر، دمها را عوضی سر جایشان گذاشته بودند از سر و کول هم بالا می رفتند!





کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای مخاطبهای زیر کتاب منتشر می کند:

۱. گروههای سنی کودکان و نوجوانان:

گروه الف: سالهای قبل از دبستان.

گروه ب: سالهای آغاز دبستان (کلاسهای اول، دوم، و سوم).

گروه ج: سالهای پایان دبستان (کلاسهای چهارم و پنجم).

گروه د: دوره راهنمایی.

گروه ه: سالهای دبیرستان.

۲. اولیای تربیتی کودکان و نوجوانان.



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۱۸۰ ریال